

بررسی روابط بین فرهنگ پژوهشی دانشگاه و خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی: نقش واسطه‌گری توانمندی نگارش علمی

الهام حیدری*

فهیمه کشاورزی**

رحمت اله مرزوقی***

چکیده

هدف کلی پژوهش بررسی نقش واسطه‌گری توانمندی نگارش علمی در روابط بین فرهنگ پژوهشی دانشگاه و خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی بود. روش پژوهش مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه پژوهش شامل ۲۹۷ نفر از تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل مقیاس‌های سنجش فرهنگ پژوهشی دانشگاهی (کوکسال و رازی، ۲۰۱۱)، توانمندی نگارش علمی دانشجویان (پابنی، ۲۰۱۲) و احساس خودکارآمدی پژوهشی (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱) بود که پس از محاسبه روایی و پایایی آن‌ها، بین نمونه توزیع و داده‌ها با استفاده از مدل معادلات ساختاری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که فرهنگ پژوهشی دانشگاه تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندی نگارش علمی ($p < 0/001$)، و خودکارآمدی پژوهشی ($\beta = 0/22$, $p < 0/001$) دارد. همچنین توانمندی نگارش علمی نیز تأثیر مثبت و معناداری بر خودکارآمدی پژوهشی ($\beta = 0/52$, $p < 0/001$) دارد. به علاوه، فرهنگ پژوهشی دانشگاه تأثیر غیرمستقیم مثبت و معناداری بر خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان ($\beta = 0/35$, $p < 0/001$) دارد؛ بنابراین، تأثیر غیرمستقیم فرهنگ پژوهشی دانشگاه‌ها بر ایجاد احساس خودکارآمدی پژوهشی بیش از تأثیر مستقیم آنان است. چراکه، وجود فرهنگ پژوهشی می‌تواند بستر ساز رشد مهارت‌ها و توانمندی‌های افراد در پژوهش و نگارش متون غلاست و این عامل با تأثیری که بر نگرش افراد در زمینه قابلیت‌های خود می‌گذارد، احساس خودکارآمدی آنان را افزایش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: احساس خودکارآمدی پژوهشی، توانمندی نگارش علمی، فرهنگ پژوهش

* استادیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

** استادیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول).

fahimehkesavarz@yahoo.com

*** استاد، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

مقدمه

نظام آموزش عالی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیستم‌های جوامع باید بتواند کیفیت عملکرد دانشجویان خود را بالا برد تا بتواند موفقیت جامعه را از طریق پاسخ به فرصت‌هایی که به‌وسیله فارغ‌التحصیلانش ایجاد می‌شود، تضمین کند (صالح، یاهایا، یوسف و حسین^۱، ۲۰۱۵). چنین موفقیتی نیازمند وجود مهارت‌های لازم در دانشجویان است. این در حالی است که برخی از دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی درمی‌یابند که محیط‌های آموزشی آن‌ها مهارت‌های لازم را در آن‌ها پرورش نداده است و این امر موجب می‌شود تا اعتماد به نفس آن‌ها نسبت به مهارت‌های خود در حوزه تخصصی‌شان کاهش یابد (آستین^۲، ۲۰۰۳؛ میلر، لامبرت-شاتی^۳، ۲۰۰۹). در رابطه با دانشجویان تحصیلات تکمیلی فارغ از مهارت‌های تخصصی هر رشته، مهارت عمومی‌ای که باید در آن‌ها رشد کند، مهارت پژوهش است که می‌تواند نقش مهمی در موفقیت‌های آتی دانشجویان در انجام پژوهش‌های مختلف داشته و تمایل دانشجو را به انجام پژوهش بعد از فارغ‌التحصیلی نیز افزایش دهد (فورستر، کاهن و هیسن-مکلین^۴، ۲۰۰۴). البته بالفعل کردن این مهارت و استفاده از آن تا حدود زیادی به احساس دانشجو نسبت به توانایی خود در انجام پژوهش یا به عبارتی احساس خودکارآمدی پژوهشی وی مربوط است.

با توجه به دیدگاه بندورا^۵ (۱۹۷۷ و ۱۹۸۹ و ۱۹۹۷) احساس خودکارآمدی پژوهشی^۶ می‌تواند به معنای ارزیابی و اطمینان به خود در انجام فعالیت‌های پژوهشی از ابتدای پژوهش یعنی شکل‌گیری و برنامه‌ریزی برای طرح اولیه تا نگارش و چاپ مقاله، تعریف گردد (لی^۷، ۲۰۰۸؛ همینگز و کی^۸، ۲۰۱۰). احساس خودکارآمدی پژوهشی می‌تواند در احساس دانشجو نسبت به مهارت‌های پژوهشی خود و رعایت اخلاقیات پژوهشی یعنی ابعادی که مدنظر پژوهش حاضر است، متجلی گردد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱). لازم به ذکر است که احساس خودکارآمدی پژوهشی می‌تواند ارتباط مثبتی با مشارکت مؤثر در انجام پژوهش، کیفیت عملکرد پژوهشی، توسعه علائق، عملکرد و تصمیمات حرفه‌ای آتی دانشجویان داشته باشد (همینگز و کی^۹، ۲۰۱۰؛ مالیکین، باکن و بتز^{۱۰}، ۲۰۰۷؛ گلسو و لنت^{۱۰}، ۲۰۰۰).

1. Salleh, M. M., Yahaya, A. N. A., b Yusof, A., & Hussin, H.
2. Austin, A. E.
3. Miller, J. K., & Lambert- Shute, J.
4. Forester, M., Kahn, J. H., & Hesson-McInnis, M. S.
5. Bandura, A.

6. research self-efficacy
7. Lei, S. A.
8. Hemmings, B., & Kay, R.
9. Mullikin, E. A., Bakken, L. L., & Betz, N. E.
10. Gelso, C. J., & Lent, R. W.

باین حال، باید اذعان کرد که احساس خودکارآمدی تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند سبک‌های یادگیری (تابع بردبار، شفيعی سروستانی و موسی پور، ۱۳۹۷)، اهداف پیشرفت (سیفی و بازارویچ قادرف، ۱۳۹۷)، آموزش مهارت مدیریت زمان (درتاج، لسانی، رستمی نسب، ۱۳۹۲)، پیشینه تحصیلی (یعقوبی و قلابی، ۱۳۹۲)، ارزش تکلیف (سلطانی نژاد و محمودی، ۱۳۹۷)، فرهنگ حاکم بر دانشگاه، برخورداری از حمایت‌های لازم از سوی دانشگاه، کیفیت دوره‌های پژوهشی، تمایلات به انجام پژوهش، تجربه مشارکت در گروه‌های پژوهشی در حوزه تخصصی خود، منابع کتابخانه‌ای و دسترسی به سایر منابع است (سالو و همکاران^۱، ۲۰۱۲؛ لاو، باهنر، جونز و نیلسون^۲، ۲۰۰۷؛ بالتس و همکاران^۳، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، احتمالاً می‌توان گفت که برخی از عوامل مؤثر بر احساس خودکارآمدی پژوهش، فرهنگ پژوهشی دانشگاه و توانایی پژوهش و نگارش متون علمی است که به‌وسیله دوره‌های آموزشی در حوزه روش پژوهش در دانشجویان ایجاد می‌شود.

توانایی نگارش علمی اشاره به توانمندی دانشجو در نوشتن انواع مختلف نوشته‌های علمی مانند گزارش‌های علمی، مقاله، طرح‌های پژوهشی، پایان‌نامه و رساله و مانند این‌ها است که در طول سال‌های تحصیل و پس‌از آن باید نوشته شود تا فرد به سطحی از خبرگی در رشته تخصصی خود برسد (گیپی و دیانا^۴، ۲۰۱۳). نگارش متون علمی مستلزم پایبندی نویسنده به یکسری قوانین در زمینه شکل نوشته، چگونگی محتوا و روش انجام پژوهش است (گیپی و دیانا، ۲۰۱۳)؛ که پیش‌نیاز آن برداشتن گام‌های شناختی مانند برنامه‌ریزی، بازیابی اطلاعات، هدف‌گذاری، حل مسئله و ارزیابی و توجه به جنبه‌های انگیزشی مانند اهداف درونی و بیرونی، ارزش قائل شدن برای نوشتن، خودکارآمدی برای خودتنظیمی در امور نگارشی و مانند این‌ها است (پاینی^۵، ۲۰۱۲). در این راستا باید افزود که ساختار انگیزشی نویسندگان و باور آنان درباره ماهیت نوشتن و ساختار یک نگارش خوب انگیزه و توانمندی افراد را در نوشتن علمی تحت تأثیر قرار می‌دهد (مک کارتر، فیلیپاکوس و گراهام^۶، ۲۰۱۶؛ برانینگ و هورن^۷، ۲۰۰۰؛ هیدی و بوسکولا^۸، ۲۰۰۶؛ پجارس و والیانتی^۹، ۲۰۰۶) و می‌تواند تحت تأثیر انگیزه درونی، انگیزه بیرونی، میزان تلاش و مهارت در نگارش باشد (پاینی، ۲۰۱۲).

1. Sulo, et al
2. Love, K. M., Bahner, A. D., Jones, L. N., & Nilsson, J. E.
3. Baltes et al.
4. Gopee, N., & Deane, M.
5. Payne, A. R.

6. MacArthur, C. A., Philippakos, Z. A., & Graham, S.
7. Bruning, R., & Horn, C.
8. Hidi, S., & Boscolo, P.
9. Pajares, F., & Valiante, G.

لازم به ذکر است که بررسی‌ها نشان می‌دهد که نگارش و انتشار متون علمی با موانعی روبرو است که شامل رواج فرهنگ آموزش با تأکید اندک بر پژوهش در دانشگاه، فقدان اعتماد به نفس در نگارش، نبود استراتژی‌های مناسب در نگارش و مانند این‌ها است (دایر و همکاران، ۲۰۱۵). عواملی که می‌توان آن‌ها را مرتبط با وضعیت فرهنگ پژوهشی دانشگاه دانست لذا یکی از عوامل مؤثر بر رشد توانمندی تولید علم دانشجویان تحصیلات تکمیلی فرهنگ پژوهشی دانشگاه است.

فرهنگ پژوهشی، توصیف‌کننده رویکردها و شیوه‌های پژوهش در هر موسسه بوده و دربرگیرنده ایده‌ها و ارزش‌های رشته‌ای و بین‌رشته‌ای، تمایلات دانشگاهیان برای مشارکت در پروژه‌های پژوهشی و محیطی باشد که پژوهشگر می‌تواند در آن قابلیت‌های پژوهشی خود را رشد دهد (پاپلامپو، ۲۰۱۵؛ نادورین و آدب، ۲۰۱۴؛ ایوانز، ۲۰۰۷). ایجاد چنین فرهنگی می‌تواند محیطی را ایجاد کند که اساتید و دانشجویان با همکاری یکدیگر قابلیت‌ها و سرمایه‌های فکری‌ای ایجاد کنند که به همه افراد سیستم آموزشی منفعت رساند (باکو، ۲۰۰۵).

لازم به ذکر است که عوامل مختلفی در تسهیل و بسترسازی ایجاد فرهنگ پژوهشی نقش دارد. از جمله این عوامل شامل جو سیاسی آرام و پایدار و آزادی علمی به همراه ساختار پاداش مناسب (لويس و سیمونز، ۲۰۱۰)، ایجاد زیرساخت‌های لازم پژوهشی از جمله ایجاد گروه‌های پژوهشی رسمی و غیررسمی، فراهم کردن منابع علمی و کاربردی، است (پیکتون، ۲۰۱۶)؛ که چنین شرایطی می‌تواند زمینه‌ساز رشد ارزش‌هایی مانند مشارکت و همکاری به‌ویژه در فعالیت‌های پژوهشی باشد و در تسریع پژوهش و رشد کیفیت آن نقش داشته باشد (لويس و سیمونز، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، ایجاد فرهنگ پژوهش در دانشگاه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز رشد مهارت‌ها و احساس توانمندی پژوهشی و همکاری برای انجام پژوهش‌های علاست.

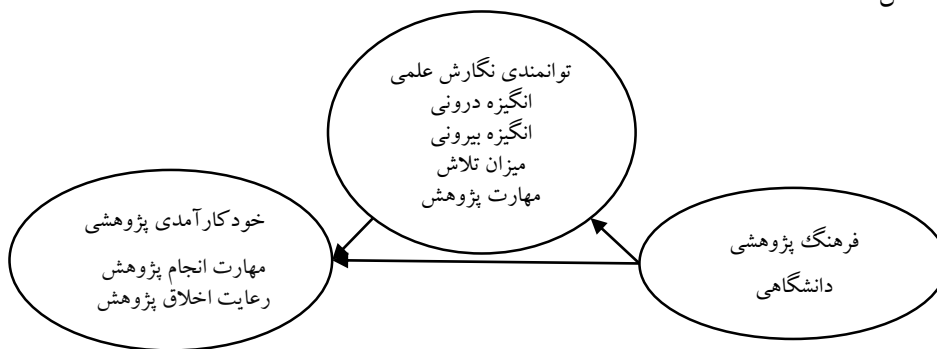
با توجه به مطالب بیان‌شده، ایجاد بستر توسعه خودکارآمدی پژوهشی در دانشجویان می‌تواند منشأ رشد تولیدات فردی و ملی باشد و این تغییر نیز تحت تأثیر شرایط محیط دانشگاه است. در واقع، وجود فرهنگ پژوهش در دانشگاه‌ها که در آن ارزشمند بودن پژوهش، همکاری پژوهشی و بها دادن به رشد قابلیت‌های پژوهشی دانشجویان نهادینه

1. Puplampu, B. B.
2. Naoreen, B., & Adeeb, M. A.
3. Evans, L.

4. Lewis, T., & Simmons, L.
5. Pickton, M.

شده باشد، می‌تواند عامل مؤثری بر رشد احساس خودکارآمدی پژوهشی باشد. به نظر می‌رسد که وجود چنین، فرهنگی می‌تواند بستر ساز رشد مهارت‌ها و توانمندی‌های افراد در پژوهش و نگارش متون عیلاست و این عامل با تأثیری که بر نگرش افراد در زمینه قابلیت‌های خود می‌گذارد، احساس خودکارآمدی آنان را تحت تأثیر قرار دهد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در رابطه با هر یک از متغیرهای فرهنگ پژوهش، توانمندی نگارش علمی و خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان پژوهش‌های متعددی انجام شده است. به‌عنوان مثال لزیوسکا و لاک^۱ (۲۰۱۶) و کاملر^۲ (۲۰۰۸) دریافتند که فرهنگ پژوهش رابطه معناداری با توانمندی نگارش علمی دارد. همچنین، پژوهش گارناسیه، ریمیانا و افندی (۲۰۱۷)، افشاری و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد که ارتباط معناداری بین فرهنگ پژوهش و خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان وجود دارد. به‌علاوه، پژوهش گارناسیه، ریمیانا و افندی^۳ (۲۰۱۷)، افشاری و همکاران (۲۰۱۵)، بای و کلریگو^۴ (۲۰۱۳) نشان داد که رابطه معناداری توانمندی نگارش علمی و خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان وجود دارد. با این حال، بررسی‌ها حاکی از آن است که تا کنون پژوهش به بررسی ارتباط هم‌زمان فرهنگ پژوهشی دانشگاهی، توانمندی نگارش علمی و خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی نپرداخته است؛ بنابراین، با تکیه بر مبانی نظری و پژوهشی، هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین فرهنگ پژوهشی دانشگاه، توانمندی نگارش علمی و خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز است که در قالب شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

1. Olszewska, K., & Lock, J.
2. Kamler, B.

3. Garnasih, R., Primiana, I., & Effendi, N.
4. Bay Jr, B. E., & Clerigo, M. E. C.

روش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز بود که در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بوده‌اند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بود که بر اساس آن تعداد ۳۰۰ پرسشنامه توزیع گردید و در نهایت ۲۹۷ پرسشنامه، به‌عنوان نمونه در تحلیل نتایج در نظر گرفته شد.

جهت بررسی فرهنگ پژوهش در دانشگاه، از پرسشنامه سنجش فرهنگ پژوهشی دانشگاهی^۱ کوکسال و رازی (۲۰۱۱) استفاده شد. این پرسشنامه که با هدف بررسی تجارب پژوهشی و نگرش مشارکت‌کنندگان نسبت به شرایط حاکم بر دانشگاه از نظر اهمیت به پژوهش بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم طراحی شده است. بر اساس گزارش کوکسال و رازی (۲۰۱۱) روایی این ابزار تنها از طریق بررسی روایی محتوایی و نظرخواهی و اعمال نظر صاحب‌نظران این حوزه موردبررسی و تأیید قرار گرفته و پایایی آن بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شده است. در این پژوهش روایی و پایایی این ابزار موردبررسی قرار گرفت. نتایج بررسی روایی این ابزار در پژوهش حاضر از روایی سازه استفاده شد و نتایج نشان داد که ضریب روایی این ابزار بر اساس تحلیل گویه بین ۰/۳۸ تا ۰/۵۱ با سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ است که این نشانگر سطح مطلوب روایی است. پایایی آن بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد که نتایج به‌دست‌آمده بیانگر سطح مطلوب پایایی ابزار موردنظر است. به‌منظور بررسی توانمندی نگارش علمی دانشجویان از پرسشنامه‌ای که پایینی (۲۰۱۲) ساخته بود، استفاده شد. این پرسشنامه شامل ابعاد انگیزه درونی، انگیزه بیرونی، میزان تلاش و مهارت در نگارش با طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم بود. روایی و پایایی این ابزار به‌وسیله پایینی (۲۰۱۲) بررسی شد. پایایی این ابزار بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ است. روایی این ابزار از طریق تحلیل عامل تأییدی بررسی شده است؛ که بار عاملی بعد انگیزه درونی بین ۰/۴۸ - ۰/۸۲، انگیزه بیرونی بین ۰/۴۳ - ۰/۷۶، میزان تلاش بین ۰/۶۵ - ۰/۸۵ و مهارت در نگارش بین ۰/۴۲ - ۰/۸۳ به دست آمده است (پایینی، ۲۰۱۲). در این پژوهش نیز روایی و پایایی ابزار بررسی گردید. روایی این ابزار با استفاده از تحلیل گویه بررسی و نتایج نشان داد که ضریب روایی ابزار برای

1. research culture questioner

بعد انگیزه درونی بین ۰/۴۹-۰/۶۲، انگیزه بیرونی بین ۰/۶۴-۰/۷۶، میزان تلاش بین ۰/۴۹-۰/۶۹ و مهارت در نگارش بین ۰/۶۳-۰/۸۴ با سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ برای کلیه گویه‌ها است و ضریب پایایی آن نیز برحسب ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد که حاکی از پایایی مطلوب پرسشنامه است.

به‌علاوه، جهت خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان نیز از پرسشنامه صالحی و همکاران (۱۳۹۱) استفاده گردید. این ابزار شامل ۵۵ گویه و ۷ عامل بوده که بسته به ماهیت پژوهش حاضر و موضوع موردبررسی دو عامل مهارت و تبحر که شامل ۵ گویه و اخلاق پژوهش شامل ۴ گویه مورد استفاده قرار گرفت. روایی این ابزار از طریق تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد. بار عاملی بعد مهارت و تبحر بین ۰/۵۰-۰/۷۳ بوده و بعد اخلاق بین ۰/۴۵-۰/۶۸ است. پایایی ابزار نیز از طریق آلفای کرونباخ بررسی شده است و ضریب آن برای هر یک از ابعاد به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۸۳ به دست آمده است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱). در این پژوهش روایی ابزار بررسی شد. روایی آن به‌وسیله تحلیل گویه بررسی گردید که ضریب به‌دست‌آمده برای بعد مهارت و تبحر بین ۰/۷۰-۰/۷۹ و برای بعد اخلاق بین ۰/۵۷ تا ۰/۸۲ است و پایایی کل پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ بررسی که به ترتیب برای هر یک از ابعاد مهارت و تبحر و اخلاق ۰/۷۹ و ۰/۷۲ به دست آمد. لازم به ذکر است که به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای spss نسخه ۲۱ و Lisrel 8.8 و همچنین، روش‌های آماری توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری استفاده گردید.

یافته‌ها

به‌منظور تأمین هدف پژوهش در خصوص بررسی فرهنگ پژوهش، توانمندی نگارش علمی و خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز، از «مدل معادلات ساختاری» برای تعیین روابط علی بین متغیرهای پژوهش استفاده شد؛ اما قبل از ارائه مدل و برازش آن، میانگین و انحراف و استاندارد و همبستگی بین متغیرها محاسبه گردید. نتایج نشان داد که میانگین فرهنگ پژوهش، توانمندی نگارش علمی و خودکارآمدی پژوهش بیش از حد میانگین (۳) است و این به معنی وضعیت نسبتاً مطلوب دانشگاه شیراز در این زمینه است (جدول ۱).

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	خودکارآمدی پژوهشی		توانایی نگارش علمی		فرهنگ پژوهش در دانشگاه
	اخلاق	مهارت	انگیزه درونی	انگیزه بیرونی	
میانگین	۳/۵۲	۳/۳۶	۳/۴۵	۳/۶۸	۳/۲۴
انحراف استاندارد	۰/۹۸	۰/۷۴	۰/۹۱	۰/۶۷	۰/۴۱
حداقل	۱	۱	۱/۵	۱/۷۸	۲
حداکثر	۵	۴/۸۳	۴/۸۷	۵/۷	۴/۸۶

نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که فرهنگ پژوهشی با ابعاد توانمندی نگارش علمی (انگیزه درونی، خودکارآمدی، انگیزه بیرونی و میزان تلاش) همچنین بین ابعاد خودکارآمدی پژوهش (مهارت و اخلاق) با توانمندی نگارش علمی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (جدول ۲).

جدول ۲. ماتریس ضرایب همبستگی ابعاد پژوهش

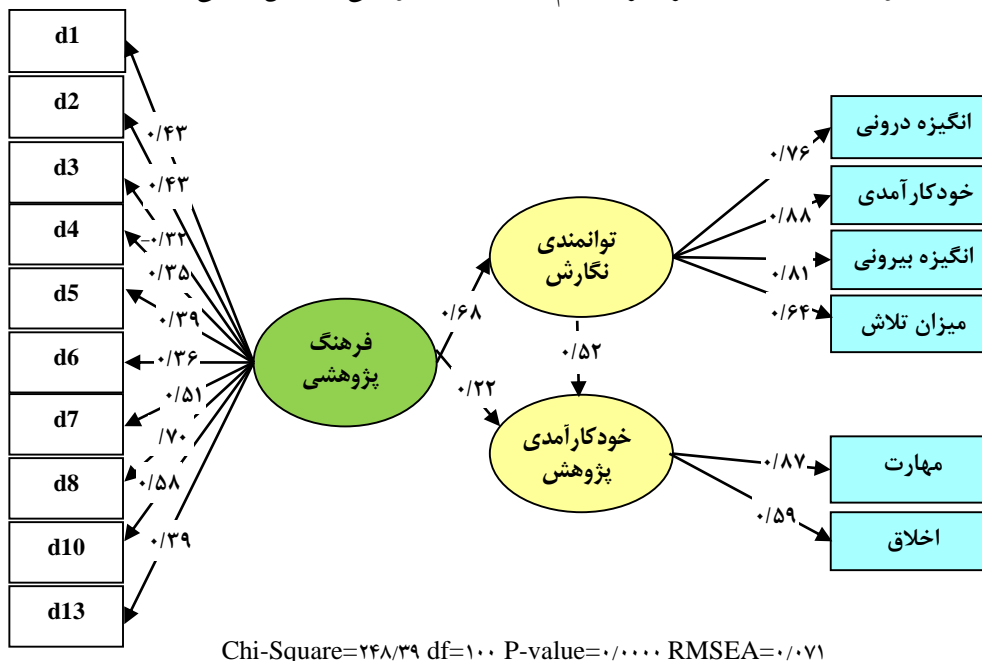
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
								۱
							۱	**۰/۳۳
						۱	**۰/۸۶	**۰/۳۴
					۱	**۰/۵۱	**۰/۸۷	**۰/۲۳
				۱	**۰/۳۷	**۰/۴۹	**۰/۷۹	**۰/۴۵
			۱	**۰/۹۰	**۰/۳۱	**۰/۳۸	**۰/۴۰	**۰/۳۹
		۱	**۰/۶۳	**۰/۸۴	**۰/۳۸	**۰/۵۴	**۰/۵۳	**۰/۴۴
	۱	**۰/۷۱	**۰/۶۱	**۰/۸۴	**۰/۳۲	**۰/۴۴	**۰/۴۴	**۰/۳۴
۱	**۰/۵۰	**۰/۵۵	**۰/۵۳	**۰/۶۷	**۰/۲۲	**۰/۳۶	**۰/۳۳	**۰/۳۳

$P < 0.01$ **, $P < 0.05$ *

نکته: ۱= فرهنگ پژوهشی دانشگاهی ۲= توانمندی نگارش علمی ۳= انگیزه درونی، ۴= انگیزه بیرونی، ۵= میزان تلاش، ۶= مهارت پژوهش، ۷= خودکارآمدی پژوهشی، ۸= مهارت انجام پژوهش، ۹= رعایت اخلاق پژوهش.

پس از بررسی روابط همبستگی متغیرها، روابط علی بین آنها با به‌کارگیری مدل معادلات ساختاری بررسی شد. نتایج حاصل از مدل ساختاری متغیرهای پژوهش بر

اساس مقادیر t-value بررسی گردید. نتایج نشان داد که فرهنگ پژوهش ارتباط مثبت و معناداری بر توانمندی نگارش علمی ($t\text{-value} = ۹/۴۸$) و همچنین فرهنگ پژوهشی دانشگاهی ارتباط مثبت و معناداری بر خودکارآمدی پژوهشی ($t\text{-value} = ۲/۲۸$) و توانمندی نگارش علمی ارتباط مثبت و معناداری بر خودکارآمدی پژوهشی ($t = ۵/۴۳$) دارد. در شکل ۲ روابط ساختاری بر اساس ضرایب معناداری نشان داده شده است که حاکی از روابط معنادار بین متغیرهای پژوهش است. با توجه به ضرایب معناداری به دست آمده، اثر مستقیم فرهنگ پژوهشی دانشگاه بر احساس خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان ۰/۲۲ است و اثر غیرمستقیم آن به واسطه توانایی نگارش علمی ۰/۳۵ است.



شکل ۲. مدل ساختاری با مؤلفه‌های اصلی بر اساس ضرایب معناداری

نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های برازش مدل علی پژوهشی نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است (جدول ۳).

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل نهایی

NFI	NNFI	CFI	IFI	RMSEA	χ^2/df	Df	χ^2
۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۹۵	۰/۰۷۱	۲/۴۸	۱۰۰	۲۴۸/۳۹

بحث و نتیجه‌گیری

در دوران حاضر از جمله مهارت‌های مهم و اساسی که دانشجویان تحصیلات تکمیلی بایستی بیاموزند، کسب مهارت‌های پژوهشی متناسب با رشته و تخصص آنان است (بوید، گلدهابر، لانک فورد و ویکوف، ۲۰۰۷). در این میان فرهنگ پژوهشی دانشگاه تعیین‌کننده نوع رویکرد دانشگاه به میزان توجه و اهمیت مسائل آموزشی، پژوهشی و حتی اجرایی است. بر اساس نتایج پژوهش حاضر بین فرهنگ پژوهشی و توانمندی نگارش علمی دانشجویان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که فرهنگ پژوهشی دانشگاه نشان‌دهنده قابلیت‌ها و سرمایه‌های فکری دانشگاه (باکو، ۲۰۰۵) و نحو استفاده و تخصیص بهینه آن است. در واقع فرهنگ مناسب پژوهشی، زمینه‌ساز رشد مهارت‌های پژوهشی و ایجادکننده توانمندی‌های پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در انجام طرح‌ها و پروژه‌های پژوهشی به‌گونه‌ای اثربخش است. بنا بر یافته‌های این پژوهش، فرهنگ پژوهشی دانشگاه بر روی انگیزه درونی دانشجویان برای کسب مهارت‌های نگارش علمی تأثیر دارد و ایجادکننده انگیزه بیرونی در آنان برحسب میزان تلاش‌ها و مهارت‌هایی که کسب می‌کنند، است؛ به‌عبارت‌دیگر فرهنگ پژوهشی دانشگاه تعیین‌کننده میزان تلاش دانشجویان در کسب مهارت‌های پژوهشی بر اساس انگیزه‌هایی که در محیط ایجاد می‌گردد در ابعاد درونی و بیرونی است؛ بنابراین نقش فرهنگ در رشد، توسعه و ارتقاء ابعاد کمی و کیفی پژوهش‌ها به‌گونه‌ای بارز و بسیار با اهمیت است. یافته‌های این بخش از پژوهش همسو با یافته‌های (سالو و همکاران، ۲۰۱۲؛ ایون، ۲۰۰۷؛ لوئیس و سیمونز، ۲۰۱۰؛ پائینی، ۲۰۱۲؛ دیر و همکاران، ۲۰۱۵) است.

همچنین بین فرهنگ پژوهشی دانشگاهی و خودکارآمدی پژوهشی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بدین‌صورت که هر قدر دانشگاه‌ها به ارزشمند بودن پژوهش، همکاری پژوهشی و همچنین بها دادن به رشد قابلیت‌های پژوهشی دانشجویان توجه کنند، گام مهم و مؤثری در جهت خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی برداشته شده است؛ بنابراین با ارائه راهکارهای سازنده توانمندی بر توسعه کیفی پژوهش‌های دانشجویان افزود و زمینه خودکارآمدی آن‌ها را هر چه بیشتر با بسترسازی فرهنگی مناسب فراهم ساخت. در چنین محیطی دانشجویان از مهارت‌های پژوهشی اثربخشی برخوردار بوده و با رعایت اصول اخلاقی اقدام به انجام پژوهش‌ها در انواع مختلف بنیادی و کاربردی خواهند کرد. حمایت مدیران دانشگاه (کارسون و همکاران، ۲۰۱۴)، فراهم ساختن منابع مالی و

مادی و کالبدی؛ ایجاد انگیزه مشارکت در پژوهش‌ها در کنار ایجاد زیرساخت‌های پژوهشی (پیک تون، ۲۰۱۶)؛ تأکید بر انجام پژوهش در کلاس‌های درس اساتید (لوئیس و سیمونز، ۲۰۱۰) برخی اقدامات اساسی است که زمینه‌ساز کسب مهارت‌های پژوهشی و در نتیجه خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان خواهد بود. یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های ریمینا و افندی (۲۰۱۷)، کارسون و همکاران (۲۰۱۴)، پیک تون (۲۰۱۶) و لوئیس و سیمونز (۲۰۱۰) همسو است. همچنین بر اساس نتایج به‌دست‌آمده بین توانمندی نگارش علمی و خودکارآمدی پژوهش دانشجویان تحصیلات تکمیلی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ به‌عبارت‌دیگر هر قدر دانشجویان تلاش بیشتری در جهت کسب مهارت‌های پژوهشی کنند و اصول و روش‌های نگارش علمی متون تخصصی را کسب کنند، از خودکارآمدی پژوهشی بیشتری برخوردار خواهند بود. همچنین این مهم به انگیزه فراگیران نیز ارتباط دارد. هر قدر دانشجویان از انگیزه بیشتری در ابعاد مختلف درونی و بیرونی برخوردار باشند، مطمئناً مهارت‌های پژوهشی مربوط به خودکارآمدی را به‌گونه‌ای اثربخش کسب خواهند کرد و در عرصه عمل متعهد به اصول اخلاقی پژوهش خواهند بود؛ زیرا در فرآیند کسب مهارت‌های نگارش علمی اصول نگارش متون علمی را کسب کرده‌اند و با رعایت اخلاق پژوهشی به تعهدات خود پایبند هستند. یافته‌های این بخش از پژوهش همسو با یافته‌های گارناسیه، ریمینا و افندی (۲۰۱۷)، افشاری و همکاران (۲۰۱۵)، بای و کلریگو (۲۰۱۳) است.

همچنین، بر اساس یافته‌های این پژوهش فرهنگ پژوهشی دانشگاه هم به‌واسطه توانمندی نگارش علمی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و هم بدون واسطه و به‌طور مستقیم می‌تواند موجب رشد احساس خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان می‌گردد. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده تأثیر غیرمستقیم فرهنگ پژوهشی بر احساس خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان بیشتر از تأثیر مستقیم است؛ بنابراین اگر مراکز آموزش عالی قصد ارتقاء سطح کیفیت و کمیت پژوهش‌های خود دارند بایستی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر این امر بر روی احساس خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان خود کار کنند؛ که سریع‌ترین راه رشد احساس خودکارآمدی دانشجویان، تقویت فرهنگ پژوهشی دانشگاه و در نتیجه توجه بیشتر به دانش نظری و عملی دانشجویان در حوزه روش‌شناسی و انجام پژوهش به‌منظور رشد توانایی نگارش علمی آنان است. در این راستا دانشگاه‌ها بایستی با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح در این زمینه و همچنین، با برگزاری دوره‌های با

کیفیت روش پژوهش و ایجاد گروه‌ها و هسته‌های پژوهشی، تجارب نظری و عملی در حوزه پژوهش برای دانشجویان ایجاد کنند و از این طریق نگاه و در نتیجه عملکرد آنان را در زمینه پژوهش ارتقاء دهند. این در حالی است که اگر دانشگاه‌ها صرفاً بر روی بعد نگرشی و روانی دانشجویان در جهت تغییر نگاه آنان به توانمندی خود در عرصه پژوهش کار کنند، احتمالاً در مدت‌زمان طولانی‌تری به رشد احساس خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان دست خواهند یافت. در پایان قابل‌ذکر است که پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بوده از جمله استفاده از پرسشنامه به‌عنوان یک ابزار خودسنجی که ممکن است پاسخ‌گویان به‌صورت دقیق به سؤالات پاسخ ندهند و تعمیم‌پذیری را با احتیاط همراه کند.

پیشنهاد می‌گردد که در پژوهش‌های آتی به بررسی این مدل در سایر دانشگاه‌ها پرداخته شود. همچنین، می‌توان به بررسی پدیدارشناسانه خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرداخته شود و یا تجارب زیسته آنان از نگارش متون علمی موردبررسی قرار گیرد تا با دید جامع‌تری عوامل مؤثر بر این دو مهم بررسی شود. به‌علاوه می‌توان به بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد فرهنگ پژوهشی کارآمد در دانشگاه‌ها پرداخته شود.

سیاسگزاری

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند که از مسئولان و دانشجویان دانشگاه شیراز که در انجام این مطالعه همکاری‌های لازم را به عمل آوردند، تشکر و قدردانی به عمل آورند.

منابع

- تابع بردبار، ف.، شفیعی سروستانی، م.، و موسوی پور، س. ر. (۱۳۹۷). رابطه سبک‌های یادگیری و قابلیت آینده‌پژوهی با نقش واسطه‌ای خودکارآمدی پژوهشی. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۲(۴۳)، ۹۵-۱۱۱.
- درتاج، ا.، لسانی، م.، و رستمی نسب، ع. (۱۳۹۲). تأثیر آموزش مهارت‌های مدیریت زمان بر خودکارآمدی دانشجویان روان‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان. *نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۷(۲۱)، ۴۳-۵۶.

سلطانی نژاد، م. و محمودی، ک. (۱۳۹۷). نقش واسطه‌ای ارزش تکلیف در رابطه بین خودکارآمدی و نگرش نسبت به ریاضی. *نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۲ (۴۰)، ۹۱-۱۰۵.

سیفی، م. و قادر بازرویچ، ق. (۲۰۱۸). رابطه بین اهداف پیشرفت و عملکرد تحصیلی: بررسی نقش میانجی‌گری خودکارآمدی تحصیلی. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۲، ۱۲۶۱-۱۲۷۰.

صالحی، م.، کارشکی، ح.، آهنچیان، م. و کریمی موقی، ح. (۱۳۹۱). اعتباریابی مقیاس خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های علوم پزشکی و فردوسی مشهد. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۲ (۶)، ۳۹۶-۴۰۹.

یعقوبی، ا. و قلائی، ب. (۱۳۹۲). ارزیابی مدل علی روابط بین پیشینه تحصیلی، خودکارآمدی، اهداف عملکردی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان، *نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۷ (۲۳)، ۹۵-۱۱۰.

References

- Ashrafi-Rizi, H., Najafi, N. S. S., Kazempour, Z., & Taheri, B. (2015). Research self-efficacy among students of Isfahan University of Medical Sciences. *Journal of education and health promotion*, 4, 26.
- Austin, A. E. (2003). Creating a bridge to the future: Preparing new faculty to face changing expectations in a shifting context. *The Review of Higher Education*, 26(2), 119-144.
- Bako, S. (2005). Universities, research and development in Nigeria: time for a paradigmatic shift. *Proceedings of the 11th General Assembly of CODESRIA, on Rethinking African Development: Beyond Impasse, Towards Alternatives*, 6-8.
- Baltes, B., Hoffman-Kipp, P., Lynn, L., & Weltzer-Ward, L. (2010). Students' Research Self-Efficacy during Online Doctoral Research Courses. *Contemporary Issues in Education Research*, 3(3), 51-58.
- Bandura, A. (1997). Self-efficacy: The exercise of control (WH Free). *New York*.
- Bay Jr, B. E., & Clerigo, M. E. C. (2013). Factors associated with research productivity among oral healthcare educators in an Asian university. *International Education Studies*, 6(8), 124-135.
- Boyd, D., Goldhaber, D., Lankford, H., & Wyckoff, J. (2007). The effect of certification and preparation on teacher quality. *The Future of children*, 45-68.
- Bruning, R., & Horn, C. (2000). Developing motivation to write. *Educational psychologist*, 35(1), 25-37.
- Carson, P., Colosimo, A. L., Lake, M., & McMillan, B. (2014). A "Partnership" for the Professional Development of Librarian Researchers. *Partnership: The Canadian Journal of Library and Information Practice and Research*, 9(2), 1-13.
- Dortag, A., Lasany, M., Rostami, A. (2013). The Effect of Time Management Skills Training on Self-Efficacy of Psychology Students of Shahid Bahonar University of Kerman. *jiera*, 7(21), 43-56. [In Peresian]

- Dwyer, T., Friel, D., McAllister, M., Searl, K. R., & Rossi, D. (2015). The write stuff: A proactive approach to increasing academics' writing skills and outcomes. *Nurse education in practice, 15*(4), 321-326.
- Evans, L. (2007). Developing research cultures and researchers in HE: the role of leadership. In *Annual Conference of the Society for Research into Higher Education (SRHE)*.
- Forester, M., Kahn, J. H., & Hesson-McInnis, M. S. (2004). Factor structures of three measures of research self-efficacy. *Journal of Career Assessment, 12*(1), 3-16.
- Garnasih, R., Primiana, I., & Effendi, N. (2017). Strengthening Research Self-Efficacy and Research Productivity through Research Culture Implementation. *Journal of Management and Marketing Review, 2* (4), 19- 26.
- Gelso, C. J., & Lent, R. W. (2000). Scientific training and scholarly productivity: The person, the training environment, and their interaction. In S. D. Brown & R. W. Lent (Eds.), *Handbook of counseling psychology* (3rd ed., pp. 109 –139). New York: Wiley.
- Gopee, N., & Deane, M. (2013). Strategies for successful academic writing— Institutional and non-institutional support for students. *Nurse education today, 33*(12), 1624-1631.
- Hemmings, B., & Kay, R. (2010). Research self-efficacy, publication output, and early career development. *International Journal of Educational Management, 24*(7), 562-574.
- Hidi, S., & Boscolo, P. (2006). Motivation and writing. In C. A. MacArthur, S. Graham, & J. Fitzgerald (Eds.), *Handbook of writing research* (pp. 144–157). New York, NY: Guilford Press.
- Hoffmann, K., Berg, S., & Koufogiannakis, D. (2014, June). Success in research: Factors that contribute to increased research productivity across librarianship and other disciplines. In *Proceedings of the Annual Conference of CAIS/Actes du congrès annuel de l'ACSI*.
- Kamler, B. (2008). Rethinking doctoral publication practices: Writing from and beyond the thesis. *Studies in Higher Education, 33*(3), 283-294.
- Kerrigan, M. R., & Hayes, K. W. (2016). EdD students' self-efficacy and interest in conducting research. *International Journal of Doctoral Studies, 11*(unknown), 147-162.
- Köksal, D., & Razi, S. (2011). An Investigation into ELT Professionals' Research Culture in Turkey. *Education & Science/Eğitim ve Bilim, 36*(162), 209-224.
- Lei, S. A. (2008). Factors changing attitudes of graduate school students toward an introductory research methodology course. *Education, 128*(4).
- Lewis, T., & Simmons, L. (2010). Creating research culture in Caribbean universities. *International Journal of Educational Development, 30*(4), 337-344.
- Love, K. M., Bahner, A. D., Jones, L. N., & Nilsson, J. E. (2007). An investigation of early research experience and research self-efficacy. *Professional Psychology: Research and Practice, 38*(3), 314.
- MacArthur, C. A., Philippakos, Z. A., & Graham, S. (2016). A multicomponent measure of writing motivation with basic college writers. *Learning Disability Quarterly, 39*(1), 31-43.
- Miller, J. K., & Lambert- Shute, J. (2009). Career aspirations and perceived level of preparedness among marriage and family therapy doctoral students. *Journal of marital and family therapy, 35*(4), 466-480.
- Mullikin, E. A., Bakken, L. L., & Betz, N. E. (2007). Assessing research self-efficacy in physician-scientists: the clinical research appraisal inventory. *Journal of Career Assessment, 15*(3), 367-387.

- Nagle, R. J., Suldo, S. M., Christenson, S. L., & Hansen, A. L. (2004). Graduate Students' Perspectives of Academic Positions in School Psychology. *School Psychology Quarterly*, 19(4), 311.
- Naoreen, B., & Adeeb, M. A. (2014). Investigating academic research culture in public sector universities of Pakistan. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 3010-3015.
- Olszewska, K., & Lock, J. (2016). Examining Success and Sustainability of Academic Writing: A Case Study of Two Writing-Group Models. *Canadian Journal of Higher Education*, 46(4), 132-145.
- Pajares, F., & Valiante, G. (2006). Self-efficacy beliefs and motivation in writing development. *Handbook of writing research*, 158-170.
- Payne, A. R. (2012). *Development of the academic writing motivation questionnaire* (Doctoral dissertation, University of Georgia).
- Pickton, M. (2016). Facilitating a research culture in an academic library: top down and bottom up approaches. *New Library World*, 117(1/2), 105-127.
- Puplampu, B. B. (2015). Building the research culture in an African business school: An intervention model and a research agenda. *European Business Review*, 27(3), 253-280.
- Salazar-Clemeña, R. M., & Almonte-Acosta, S. A. (2007, September). Developing research culture in Philippine higher education institutions: Perspectives of university faculty. In *regional seminar "Competition, cooperation and change in the academic profession: Shaping higher education's contribution to knowledge and research."* Hangzhou, China (pp. 1-13).
- Salehi, M., Kareshki, H., Ahanchian, M. R., & Karimi Mouneghi, H. (2012). Validation of Research Self-Efficacy Scale for Postgraduate Students of Ferdowsi University and Mashhad University of Medical Sciences. *Iranian Journal of Medical Education*. 12 (6), 396-409. [In Peresian]
- Salleh, M. M., Yahaya, A. N. A., Yusof, A., & Hussin, H. (2015). Factors Affecting Undergraduates' Academic Competence: A Case Study of Unkl MICET. *International Academic Research Journal of Social Science*, 1(2), 290-294.
- Seifi, M., & Bazarovich, G. (2018). The mediating role of self-efficacy in the relationship between parenting styles and academic achievement of students. *Jiera*, 12(Special Issue), 1261-1270. [In Peresian]
- Seifi, M., & Bazarovich, G. (2018). The mediating role of self-efficacy in the relationship between parenting styles and academic achievement of students. *Jiera*, 12(Special Issue), 1261-1270. [In Peresian]
- Soltaninejad, M., & Mahmudi, K. (2018). Mediator Role of task value in the relation between self-efficacy and attitude toward mathematics. *Jiera*, 12(40), 91-105. doi: 10.22034/jiera.2018.64743. [In Peresian]
- Sulo, T., Kendagor, R., Kosgei, D., Tuitoek, D., & Chelangat, S. (2012). Factors affecting research productivity in public universities of Kenya: the case of Moi University, Eldoret. *Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences*, 3(5), 475.
- Yaghoobi, A., & Ghalayi, B. (2014). Valuating the causal model of the relationship between academic background, self-efficacy, performance goals, and academic achievement in students. *Jiera*, 7(23), 95-110. [In Peresian]